

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در عرصه زندگی فردی

نویسندگان: سید حسین ابطحی^۱
هانیه آرمجو^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۸/۱۹

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۹۰

چکیده

اگر بناست که اسلام و ایران عزت و رونق سابق خود را بازبندد و از پیشگامان مسیر توسعه در دنیا باشند، لازم است که تأسی از الگوهای غربی را کنار گذاشته، به تناسب زیرساختهای فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی خاص کشور و آموزه‌های اسلامی، به ایجاد الگویی جدید برای پیشرفت و توسعه اقدام کنیم و این الگو، راهگشای دستیابی به هدف والای ما؛ یعنی رسیدن انسان به ایده‌آل الهی نامحدود و مسئولیت‌آفرین شود. در این مجال تلاش شده است پس از بیان اهمیت و تبیین مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اهمیت توجه به حوزه زندگی فردی در این الگو، با به کارگیری رویکرد چارچوب منطقی، مسیر دستیابی به اهداف مورد نظر در حوزه زندگی فردی، مشخص و شیوه‌ای اجرایی برای پیاده‌سازی الگو پیشنهاد شود. در نهایت، شاخصهایی برای اندازه‌گیری میزان دستیابی به اهداف تعیین شده تا بتواند ابزاری مناسب برای نشان دادن نقشه راه دستیابی به اهداف و همچنین میزان دستیابی به این اهداف باشد. در این پژوهش از نظرات خبرگان حوزه‌های مختلف برای شناسایی شاخصها در سه بُعد عقلانیت، معنویت و عدالت استفاده شد که در نهایت، منجر به استخراج ۱۰۸ شاخص شد. سپس با به کارگیری پرسشنامه بسته، این شاخصها مورد بازنگری و ارزیابی مجدد قرار گرفتند و با روش آماری مقایسه میانگین‌ها، ۵۴ شاخص برای ارزیابی میزان دستیابی به اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انتخاب شدند.

واژگان کلیدی:

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، شاخصهای الگوی پیشرفت، رویکرد چارچوب منطقی.

۱. استاد مدیریت دولتی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی(ره).

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی(ره).



مقدمه

در عصر کنونی، بسیاری از کشورها به رشد و پیشرفت مادی دست یافته‌اند، اما خلأهایی از جنبه معنوی احساس می‌کنند که نمی‌توانند با شاخصهای پیشرفت غربی آن را پر کنند. در نتیجه، به بحران و پوچ‌گرایی در زندگی بشری دامن می‌زنند. بنابر این، باید به الگویی رو بیاوریم که نه تنها برای کشورمان مطمئن باشد، بلکه چراغی در ظلمتکده جهانی باشد و این الگوی پیشرفت اسلامی برای سایر کشورها نیز جهت ایجاد تعادل در محاسبات شاخصهای توسعه آنان، کاربرد داشته باشد و به تاسی از الگوی اسلامی، پیشرفتی همه‌جانبه داشته باشند.

طی سالهای گذشته در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، دیدگاهی جامع و یکپارچه نداشته‌ایم و به همین دلیل، در دسترسی به اهداف چندان موفق نبوده‌ایم. لذا حرکات مداوم پیدا نکرده‌اند و در هر بخش، تصمیماتی جزیره‌ای و سلیقه‌ای اتخاذ شده است. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به عنوان سندی بالادستی که ناظر بر همه اسناد حتی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام و برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت باشد، کمک می‌کند تا سلايق را کنار بگذاریم و با الگویی یکپارچه بتوانیم به هدف مد نظر دست پیدا کنیم.

برای تنظیم الگوی پیشرفت که کاری بی‌سابقه است، راهی دشوار پیش رو داریم. تنها با الگوبرداری ظاهری از کشورهای غربی و بدون توجه به زیرساختهای فرهنگی کشور نمی‌توان مسیر دستیابی به توسعه را فراهم کرد (علوی و محجوب، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳-۲۴۱). تمامی شاخصهای توسعه مورد نظر غرب (کاپیتالیسم)، الزاماً نمی‌توانند برای جوامع دیگر درست و دقیق باشند و لازم است تا هر ملتی، با توجه به ایدئولوژی حاکم بر آن، به تبیین معیارهای توسعه منحصر به فرد خود بپردازد. میسرا بیان می‌کند: الگوی توسعه در هر کشور نه وام‌گرفتنی است و نه تحمیل کردنی، بلکه تنها توسط هر قوم و ملتی بر اساس مذاهب، عقاید و فرهنگ خاص آن ملت، ساختنی است. (ستاری‌فر، ۱۳۷۴، ص ۱۱)

برای نیل به این هدف باید از پیشرفتهای روش‌شناختی دنیای غرب استفاده کنیم و تجارب خود را در زمینه هستی‌شناسی مد نظر قرار دهیم. شاخصهای کنونی که معیار ارائه آمار در کشور است، جامعه را به عدالت و پیشرفت مطلوب نمی‌رسانند و در نهایت می‌توانند ما را به نقطه‌ای که هم‌اکنون غرب در آن قرار گرفته، برسانند.

مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چندان اقتصادگرا نیست؛ هر چند اقتصاد نیز در آن مهم است، اما جزء جدایی‌ناپذیر آن، رعایت عدالت و معنویت است و در صورتی که هر برنامه و شاخصی منافاتی با این اصول داشته باشند، مورد قبول ما نیستند. بنابر این، لازم است در هر حوزه، شاخصهای آماری جدیدی تدوین و ملاک عمل قرار گیرد؛ زیرا نمی‌توان شاخصهای توسعه در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را با خط‌کش کشورهای غربی اندازه گرفت.

صرف تقلید از غرب را نمی‌توان تمدن و پیشرفت نامید. بنیاد تمدن جدید موقعی گذاشته می‌شود که احساس ملی و همراه با آن، نهادهای حکومتی و اجتماعی، از اساس دگرگون شده باشند. تقلید از ظواهر پیشرفت غربی ما را به راهی نافرجام خواهد کشاند. باید در اخذ دستاوردهای سایر کشورها، رویکردی گزینشی داشت و معارف بیگانه را مطابق با نیازهای فرهنگی خود اصلاح کرد و با نوسازی کلی، به کار بست (علوی و محجوب، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱-۲۶۰). استفاده از تجارب غرب در زمینه توسعه نیز ضروری به نظر می‌رسد. البته استفاده از این



تجارب باید در راستای تدوین الگوی پیشرفت باشد، نه الگوی توسعه. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید در راستای تحقق اهداف ذیل باشد:

- حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت را به دور از تبعیضهای ناروا حفظ و حمایت کند؛
- نیازها و منافع نسلهای آینده را آن گونه که مد نظر شارع مقدس اسلام است، پیش بینی کند؛
- مسیر زندگی و قوانین آن به حدی روشن و صریح باشد که امکان تفسیر و تأویل‌های غلط در مسیر هوسهای دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در آن نباشد؛
- صلاحیت الگو شدن برای جوامع اسلامی دیگر را داشته باشد.

مبانی نظری

آنچه در تدوین الگوی پیشرفت مد نظر ماست، متفاوت از الگوهای توسعه غربی است و وجوه تمایزی دارد که در تدوین چنین الگویی باید آنها را مد نظر قرار داد؛ زیرا در غیر این صورت، ممکن است که در دام همان شاخصهای غربی افتاده، تنها آنها را دیگر بار با الفاظ و پوششی جدید بیان کنیم. لذا در این بخش سعی می‌شود با بیان مفاهیم هر یک از این الگوها، به وجوه تمایز آنها اشاره شود.

مفهوم توسعه غربی

در تعریف توسعه، نکاتی را باید مد نظر داشت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: اولاً، توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم؛ ثانیاً، آن را جریانی چند بعدی و پیچیده بدانیم و ثالثاً، به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷، ص ۸). اندیشمندان مختلف در طول سالهایی که این بحث شکل گرفته است، تعاریفی متعدد از آن ارائه کرده‌اند که سعی می‌شود در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره شود.

مایکل تودارو، توسعه را جریانی چندبُعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم، نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروههای اجتماعی در داخل نظام، به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. (تودارو، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵)

اگر فرایند بهبود در زندگی انسانها، بدون تخریب محیط زیست و توأم با عدالت اجتماعی باشد و با کمترین نوسان ادامه یابد، به آن «توسعه پایدار» گفته می‌شود. (UNESCO, 2007). روند توسعه جهانی در حال حاضر ناپایدار است و باید برای رسیدن به ثبات و پایداری در الگوهای توسعه، اولویتهای آن را عوض کرد؛ به نحوی که مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی در اولویت و موارد اقتصادی، ابزاری برای دستیابی به آنها باشند. (Landorf & et al, 2008) آمارتیا سن (۲۰۱۰)، مبحث عدالت را یکی از عناصر مهم توسعه می‌داند. به نظر او، توسعه بدون تحقق عدالت و آزادی، بی‌معناست. آزادی و عدالت نه تنها ابزاری برای تحقق توسعه، بلکه از اهداف الگوهای توسعه به شمار می‌روند. سن، هدف اصلی الگوهای توسعه را افزایش گزینه‌ها و آزادی افراد در انتخاب بین گزینه‌های مختلف می‌داند. در تعاریف جدید از توسعه، توجه به اخلاقیات و ارزشهای انسانی جزء جدایی‌ناپذیر توسعه معرفی



شده است و اینکه اخلاقیات می‌تواند بر جنبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسعه تأثیر بسزایی بگذارد و در صورت عدم توجه به اخلاقیات، توسعه انسانی با مشکلات و انحرافات جدی مواجه می‌شود (Astroulakis, 2008). در الگوهای جدید توسعه، دیگر رشد اقتصادی و نوسازی فناوری، هدف الگوی توسعه محسوب نمی‌شوند و تنها ابزارهایی برای تحقق ارزشهای انسانی‌اند. (Gasper, 2006)

دنيس گولت به عنوان پایه‌گذار توسعه اخلاقی، مباحثی از قبیل آداب و سنن، جمعیت‌شناسی، فرهنگهای بومی و اخلاقیات و ارزشها را در الگوهای توسعه دخیل می‌داند. او پاسخ به سه سؤال را در الگوهای توسعه الزامی می‌داند: ۱. زندگی خوب به چه معناست؟ ۲. مبنای اجرای عدالت در جامعه چیست؟ ۳. بشر برای هماهنگی با طبیعت و حفظ آن برای نسلهای بعدی چه باید بکند؟ (Goulet, 1997). پاسخ به این سؤالات، تا حد زیادی مبتنی بر سیستم ارزشی حاکم بر هر جامعه است و در هر کشور و ملتی می‌تواند پاسخهای متفاوتی داشته باشد. اینکه چه اهدافی برای توسعه انتخاب شوند و چه راهبردی برای دستیابی به آن اهداف در پیش گرفته شود، بستگی به سیستم ارزشی جامعه دارد و می‌تواند در جوامع مختلف، تفاوت‌های بنیادی با یکدیگر داشته باشد.

مفهوم توسعه یا پیشرفت در اسلام

در سال ۱۹۷۴ در اعلامیه «کوکوبوک» تصریح شد: هر فرایند رشدی که نیازهای اساسی را ارضا نکند یا ارضای آنها را مختل سازد، صرفاً کاریکاتوری از توسعه است و نمی‌توان نام توسعه بر آن نهاد (جهانین، ۱۳۸۰ الف). با وجود بهبود الگوهای غربی در سالهای اخیر و توجه آنها به اخلاقیات و ارزشهای انسانی (مانند الگوی قابلیتی «آمارتیا سن»)، کمتر الگوی غربی را می‌توان یافت که به نیازهای معنوی بشر و ارزشهای متعالی و اخروی که از جمله نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود، توجه کرده باشد.

توسعه غرب چون درک ناقصی از خداوند داشت و بهشت مادی را هدف قرار داده بود، میوه‌های تلخی به بار آورد که از همه مهم‌تر، فقدان محتوای زندگی است و این همان ابتدال و بن‌بست غرب است. بنابر این، باید ضمن استفاده از آثار مادی توسعه، آن را ابزاری در خدمت مبانی عقیدتی و ارزشی دین دانست. (جهانین، ۱۳۸۰ ب)

هدف در جهان‌بینی اسلامی، کمال و رسیدن انسان به سعادت اخروی است که این سعادت، خود در گرو نحوه عملکرد مادی است. شاید در برخی از اهداف، مانند زدودن محرومیت، جامعه اسلام و دنیای غرب آرمانی مشترک داشته باشند، اما در دین اسلام چنین هدفی خود بهانه‌ای برای دستیابی به هدفی والا تر و اصلی است و اگر در این مسیر انحرافی از هدف اصلی پیدا شود، این روند، مطلوب ارزیابی نمی‌شود. بنابر این، دستیابی به مقوله معنویت یکی از شاخصهای بنیادین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است که تفاوت دو نسخه توسعه اسلامی و غربی را مشخص می‌کند؛ زیرا معنویت، روح پیشرفت واقعی در همه زمینه‌ها و مسائل است (امین مقدسی، ۱۳۹۰). در نگاهی اجمالی؛ پیشرفت، افزایش ظرفیت وجودی و رشد و تعالی معنوی است، نه صرف افزایش رفاه مردم. بر این اساس، تعریفی از پیشرفت که در این تحقیق مبنای کار قرار گرفته و توسط محقق از جمع تعاریف پیشین، تبیین می‌شود عبارت است از:

«پیشرفت، فرایندی است که تحوّل مداوم در ابزار، قوانین و روابط مادی، معنوی



و اجتماعی حیات به منظور دستیابی به تکامل جامعه و ایجاد زمینه برای بروز استعداد‌های انسانی ایجاد کند تا خواسته‌های اصیل انسانی در چارچوب احکام اسلام و در جهت هدف‌های اسلامی تأمین شود. در این تعریف، مفاهیمی اعم از: پویایی، تحوّل، کمی و کیفی بودن، حرکت از یک نظام سنتی به یک نظام مدرن، توجه به همه جنبه‌های وجودی بشر و ارزش‌های انسانی نهفته است تا بتوان ثروت، قدرت، همبستگی و معرفت تولید کرد». (اکبری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸؛ خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۲۱؛ میسر، ۱۳۶۴، ص ۶؛ جهانیان، ۱۳۸۹)

در پایان این بخش برای جمع‌بندی تفاوت‌های بین توسعه غربی و پیشرفت اسلامی، به سخنان شهید مطهری اشاره می‌شود. ایشان رابطه علم و ایمان را چنین بیان می‌کنند: «علم، ابزار می‌سازد و ایمان، مقصد؛ علم، سرعت می‌دهد و ایمان، جهت؛ علم، توانستن است و ایمان، خوب خواستن؛ علم، انقلاب برون است و ایمان، انقلاب درون؛ علم، وجود انسان را به صورت افقی گسترش می‌دهد و ایمان، به شکل عمودی بالا می‌برد. هم علم به انسان امنیت می‌بخشد و هم ایمان؛ علم، امنیت برونی می‌دهد و ایمان، امنیت درونی؛ علم، در مقابل هجوم بیماری‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها و طوفان‌های ایمنی می‌دهد و ایمان، در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها، احساس بی‌پناهی‌ها، پوچ‌انگاری‌ها. علم، جهان را با انسان سازگار می‌کند و ایمان، انسان را با خودش». (مطهری، ۱۳۷۲)

الزامات اسلامی و ایرانی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

امام (ره) معتقد به توسعه اسلامی بودند؛ به این معنا که لازم نیست ما دین را به نفع توسعه تضعیف کنیم و بخشی از آموزه‌های دینی را به نفع توسعه کنار بگذاریم و نیز ضرورت ندارد که توسعه را محکوم کنیم؛ حتی نیازی نیست شاخص‌های استاندارد توسعه را نادیده بگیریم، بلکه در اینجا می‌بایست تلاش بسیار عظیمی برای رسیدن به نظریه‌پردازی ترکیبی به کار ببریم. ما محتاج نظریه‌هایی هستیم که در درون این نظریه‌ها، آموزه‌های دینی و اصول رفتار اجتماعی مأخوذ از دین، به همراه یافته‌های علوم اجتماعی در مقوله رشد و توسعه، به بهترین وجه ممکن با یکدیگر ترکیب شده باشند. (نبوی، ۱۳۷۹)

در منطق اسلام، پیشرفت مادی و آنچه در دیدگاه غربی توسعه می‌نامند، مطلوب است؛ اما تنها به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف اصلی که همان رشد و تعالی بشری و ایده‌آل نامحدود الهی است. در فرایند پیشرفت باید خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی و محبت در انسانها تقویت شود و همه افراد جامعه نسبت به هم احساس مسئولیت کنند. چنین تحوّل‌هایی که در پیوندها و نظامات اجتماعی به چنین حقایقی منتهی شود، پیشرفت مورد تأیید اسلام است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۲۲-۲۱)

ایرانی بودن را نیز باید در این سند مد نظر قرار داد. اسلام، خود کامل است؛ ولی چون در مقطع معینی این سند اجرا می‌شود، باید ویژگی‌های زمانی، مکانی و ظرف تحقق آن به دقت لحاظ شود. اگر اسلامی بودن، جامعیت نقشه است؛ ایرانی بودن، واقعیت آن را تأمین می‌کند (واعظ زاده، ۱۳۸۹). لذا برای تدوین این الگو باید نیاز راهبردی و مزیت‌های ملی‌مان را تعریف و تحولات در حوزه‌های نهادی، کارکردی و عملیاتی را شناسایی کنیم. باید کار را با گذشته‌نگاری و آینده‌نگری مستمر جلو ببریم و ارزش‌های دینی و اخلاقی، نقش اول را در تدوین این الگو داشته باشند.



ایران به لحاظ منابع طبیعی و ژئوپولیتیک، بخش بسیار مهمی از دنیاست. در نظریه پردازی و اجرای هر برنامه توسعه و پیشرفتی باید به این مسائل جغرافیایی، بین‌المللی و فرهنگی توجه کرد تا در اجرای آن الگو با شکست مواجه نشویم (عشایری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۵). ایران باید به سمتی حرکت کند که حرف جدیدی برای جامعه بشری داشته باشد. ایران نشان خواهد داد که جور دیگری هم می‌توان زندگی کرد؛ می‌توان خوشبخت شد و توسعه یافت. باید مفهوم جدیدی از خوشبختی را به دنیا نشان دهیم.

هویت جمعی یک ملت، جزء آن چیزهایی است که در تحولات باید دست نخورده باقی بماند. در کنار هویت ملی؛ پویایی، نشاط، برخورداری از آزادی تحرک و روح رقابت در میان جمع را باید به شدت ارج نهاد. باید راه آزاداندیشی و نوآوری را باز گذاشت؛ منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و برهم زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۲۹). ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدل و قسط، پرورش انسانهایی مؤمن، برخورداری از اقتصاد پویا و پیشرو و مشارکت حداکثری مردم، از جمله مأموریت‌های الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی است. باید با توجه اسناد فرادستی، مانند قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، به تبیین الگوی پیشرفت پردازیم.

بنابر این، رعایت شاخصه‌های عدالت اجتماعی در تمامی برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، احیا و رشد هویت اسلامی و ایرانی و نیز بهره گرفتن از الگوهایی متناسب با واقعیت‌های جامعه اسلامی ایران، از نخستین الزامات طراحان و تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است و باید الگویی کاملاً بومی و مختص به ملت ایران طراحی کرد. در این کار ضمن استفاده از تجارب سایر کشورها، باید پیروی کورکورانه از آن الگوها را کنار گذاشت و الگوی پیشرفتی برای ایران اسلامی با توجه به معیارهای ویژه جمهوری اسلامی و حرف نوی اسلام در زمینه‌های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان‌دوستی و ارتباطات و عواطف بشری ترسیم و تعیین کرد.

عرصه زندگی فردی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

ثروت واقعی هر کشور، ملت و مردمان آن هستند. بنابر این، هدف از برنامه‌های توسعه باید ایجاد و بهبود محیطی برای افراد آن جامعه باشد تا آنها از زندگی طولانی، سالم و شاد بهره ببرند. از نظر گرانش منابع انسانی، استفاده بهینه از نیروی انسانی و توسعه آن باید مهم‌ترین دغدغه و هدف اساسی توسعه باشد تا دستیابی به رشد اقتصادی و سطح زندگی بالا امکان‌پذیر شود. هارپسن معتقد است:

«منابع انسانی، پایه و اساس ثروت ملل است؛ نه سرمایه، درآمد یا منابع فیزیکی. سرمایه و منابع طبیعی، عوامل منفعل تولیدند و نیروی انسانی به طور فعال سرمایه را انباشت می‌کند و منابع طبیعی را به کار می‌گیرد. علاوه بر آن، نیروی انسانی، نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا و توسعه را پایه‌گذاری می‌کند. روشن است که اگر کشوری نتواند به توسعه و استفاده بهینه از نیروی انسانی خود پردازد، قادر به توسعه هیچ چیز دیگر نخواهد بود» (Harbison, 1987, P.3)

پیشرفت حقیقی آن است که انسانها توسعه پیدا کرده باشند. اگر انسانها به توسعه و تعالی برسند، خود به وظایفشان عمل خواهند کرد و نیازی به بسیاری از نهادهای اجتماعی نیست. انقلاب فکری و محتوایی در اذهان افراد یک جامعه، سبب می‌شود تا تمامی ارزشها، باورها،



نگرشها و حتی احساسات و در مجموع، فرهنگ آن جامعه تغییر کند و به دنبال آن، زمینه اقدامات دیگری مانند مشارکت افراد در اقدامات نظامی و اقتصادی به منظور پیشرفت آرزوها و خواسته‌های دینی فراهم شود.

استفاده از نظریه‌های مبتنی بر منابع انسانی، با وضعیت کشورهای در حال توسعه سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا این کشورها دارای سرمایه اندک و نیروی انسانی فراوانند؛ ولی سرمایه انسانی آنها نه توسعه یافته است و نه به صورت مطلوب به کار گرفته می‌شود.

رهبر انقلاب نیز سومین ساحت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را پیشرفت در عرصه زندگی دانسته‌اند که این پیشرفت، مصادیقی مانند گسترش و افزایش امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت، آزادی و تعاون را شامل می‌شود. در حقیقت؛ یکی از اصلی‌ترین بخشهای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دستیابی به جامعه‌ای با شاخصهای مطلوب در عرصه زندگی فردی است که این مهم با دستیابی به دو مؤلفه گسترش اندیشه‌ورزی در سطح جامعه و افزایش تولید علوم و فناوری به دست می‌آید.

مروری بر شاخصهای توسعه انسانی سازمان ملل متحد

ناکافی بودن معیار درآمد سرانه و رشد اقتصادی در تعیین رفاه شهروندان، موجب شد که برخی اقتصاددانان توجه خود را به شاخصهایی معطوف کنند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی، در برگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد. یکی از مهم‌ترین این شاخصها، «شاخص توسعه انسانی»^۱ است. شاخص توسعه انسانی، به جای استفاده از درآمد سرانه، به جنبه‌های وسیع‌تر توسعه می‌پردازد. این شاخص ضمن اینکه معیاری برای اندازه‌گیری رفاه شهروندان به دست می‌دهد، اثر سیاستهای اقتصادی بر کیفیت زندگی شهروندان را نیز اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص، کشورها را بر حسب کیفیت زندگی شهروندان و نه صرفاً بر اساس ارقام سنتی درآمد سرانه آنها، رتبه‌بندی می‌کند.

از سال ۱۹۹۰، هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود که در آن، کشورها با شاخصهای مختلفی مانند شاخصهای آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و ... مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ آمده است: «مردم؛ یعنی مردان و زنان، ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می‌دهند. هدف توسعه، خلق شرایطی است که مردم بتوانند در آن از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده‌ای بهره‌مند شوند. انتشار این گزارش کمک می‌کند تا مردم دوباره در مرکز توجه توسعه جای گیرند». در این گزارش برای اولین بار ذکر شد که درآمد ملی نمی‌تواند به تنهایی نشانگر توسعه ملتها باشد، بلکه باید به معیارهایی مانند امید به زندگی و سواد نیز توجه داشت.

بر اساس شاخص توسعه انسانی، پول و ثروت نشانگر موفقیت و خوشبختی ملتها نیست. لازم است بررسی شود که آیا افراد از زندگی طولانی و سالم برخوردارند و آیا فرصت و آزادی کافی برای بهره‌گیری از دانش خود برای تعیین سرنوشت خود را دارند. در واقع؛ آنچه تعیین‌کننده است نه خود ثروت به طور فی‌نفسه، بلکه روشی است که کشورها ثروت را به مصرف می‌رسانند. بنابر این، معیار محاسبه این شاخص برای نخستین بار توسط محبوب الحق و آمارتیا سن به صورت میانگین به سه نماگر امید به زندگی، پیشرفت آموزشی و درآمد



سرانه تبدیل و بر اساس برابری قدرت خرید تعریف شد. سه معیار جدید نیز در گزارش سال ۲۰۱۰ به اینها اضافه شده‌اند که عبارتند از:

الف) شاخص توسعه جنسیتی که نشان‌دهنده تفاوت شاخص توسعه بین زنان و مردان است و در سه بُعد بازار کار، توانمندسازی شغلی و سلامت، با شاخصهایی از قبیل نرخ مرگ و میر مادران، تعداد نمایندگان زن در مجلس، تعداد زنان دارای تحصیلات تکمیلی و زنان با مشاغل مدیریتی سنجیده می‌شود.

ب) شاخص نابرابری در جامعه که تفاوت طبقاتی و نحوه توزیع امکانات در جامعه را نشان می‌دهد؛ در صورتی که همه افراد جامعه از امکانات برابری برخوردار باشند، این شاخص با مقدار شاخص توسعه انسانی برابر خواهد شد.

ج) شاخص چندبُعدی فقر که نشان‌دهنده محرومیت افراد از تحصیلات، سلامت و استانداردهای زندگی است و تنها محدود به سطح درآمد خانوار نمی‌شود و در ده بُعد شامل تأمین مواد مغذی، مرگ و میر کودکان، تعداد سالهای تحصیل، نرخ ثبت‌نام کودکان در مدرسه، دسترسی به سوخت، سرپناه، آب، برق، سرویس بهداشتی و درآمد، اندازه‌گیری می‌شود. (Human Development Report, 2010)

«نگرش قابلیت» آمارتیا سن و مفهوم توسعه انسانی که در گزارش ۲۰۱۰ سازمان ملل آمده است، می‌تواند بسیار خوب درون چارچوب اسلامی سازگار شود. او توسعه را به صورت پیشرفت در قلمرو انتخابهای کارایی بشری می‌بیند و توفیق این فرایند، به مشارکت ذی‌نفعان منظور نظر توسعه در انتخاب و اجرای سیاستهایی بستگی دارد که به وسیله آن، سیاستهای توسعه ارتقا می‌یابد. به دیگر سخن؛ مشارکتی که سن بر آن به صورت افزایش آزادی انسان تأکید می‌کند، هم هدف مهم و هم وسیله اصلی توسعه یک جامعه است.

نظر اسلام در مورد شاخصهای توسعه انسانی سازمان ملل

یکی از شاخصهای سه‌گانه توسعه انسانی، طول عمر همراه با سلامت است. بررسی آیات و روایات در خصوص بحث طول عمر نشان می‌دهد که اگر عمر طولانی انسان در مسیر انجام اعمال نیکو و کردار شایسته باشد، بسیار مطلوب است و عواملی از قبیل صدقه، صلوة رحم (عروسی حویزی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۵۴)، احسان (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۸۳) و گناه نکردن (هود، آیه ۳؛ آل عمران، آیه ۱۱) بر افزایش طول عمر مؤثر است. بنابر این، در نظر داشتن بُعد معنوی در زندگی دنیوی، مؤلفه‌ای اثرگذار و تعدیل‌کننده برای شاخص طول عمر است. حجم انبوه آیات و روایات در خصوص مبحث دانش (بقره، آیات ۳۰ تا ۳۴؛ مجادله، آیه ۱۱؛ علق، آیه ۴ و ۵؛ المحجه البیضاء، ج ۱، ص ۱۷؛ کلینی، بی‌تا، ج ۱، کتاب فضل‌العلم)، نشان می‌دهد که بین اسلام و دانش نه تنها تعارضی وجود ندارد، بلکه علم‌آموزی و کسب دانش، از فرامین واجب اسلام است. فضایی که برای جویندگان دانش و همچنین آموزگاران علم مطرح است، دلیلی بر این مدعاست. تأکید اسلام بر عمل کردن به دانش، تکیه اسلام بر علوم کاربردی و مهارتی را آشکار می‌کند که در شاخصهای توسعه انسانی نیز مد نظر قرار می‌گیرند.

اسلام در آموزه‌های متعدد، حیات معنوی جامعه و فرد و ادای واجبات را متوقف به حیات مادی بشر می‌داند. نیازهای معیشتی، ستون دین و دینداری است. توجه بسیار مؤکد اسلام به تأمین نیازهای مادی جامعه و فرد، دیدگاه اسلام را در مورد پیوند دین و دنیا شفاف‌تر می‌کند (اسراء، آیه ۱۲؛ هود، آیه ۶۱؛ اعراف، آیه ۱۰؛ جامع‌الاخبار، ص ۳۹۰). اسلام سطح مناسب زندگی



را بسیار فراتر از حد نیازهای معیشتی یا به اصطلاح «حدّ بخور و نمیر» می‌داند و معتقد به سطح شایسته و مناسب زندگی به معنای واقعی کلمه برای همه افراد جامعه است. مطالعه آموزه‌های اسلام در خصوص سطح مناسب زندگی مادی، کاملاً روشن می‌کند که نه تنها ناسازگاری بین این آموزه‌ها و شاخص توسعه انسانی نیست، بلکه با مطالعه دقیق و علمی آنها روشن می‌شود که سطح زندگی مادی در آموزه‌های اسلامی بسیار جلوتر از حد معیار رفاه در شاخص توسعه انسانی است (اکبری و افخمی، ۱۳۸۷). بنابر این، شاخصها و مؤلفه‌هایی که در الگوی توسعه انسانی آمده است، به دلیل عقلایی بودن منافاتی با اسلام ندارند. اما با توجه به دیدگاه مادی‌گرایی که بر آن اساس این الگو شکل گرفته است، معنویت جایگاهی در این الگو ندارد. بنابر این، لازم است برای تکمیل الگوی توسعه انسانی و بهسازی آن به عنوان الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، با توجه به هدفی که در این الگو به دنبال آنیم، شاخصهایی را به این الگو اضافه کرد.

روش پژوهش

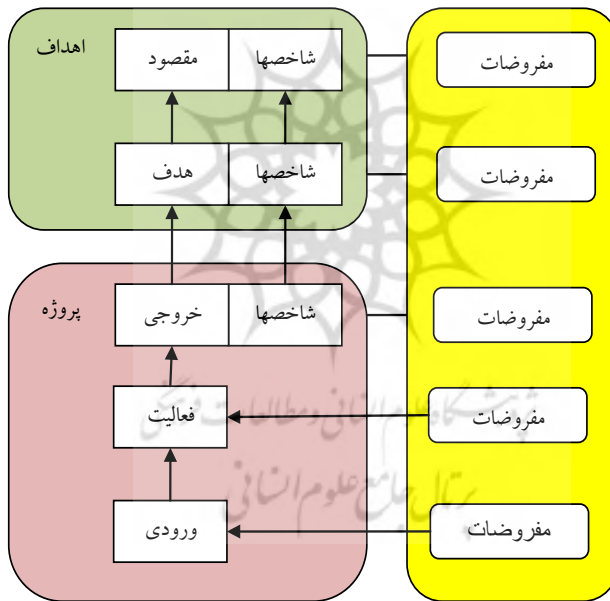
بدیهی است که هدف ما صرفاً تدوین الگویی نظری برای پیشرفت و توسعه کشور نیست، بلکه به دنبال اجرایی شدن این الگو و منتفع شدن از نتایج آن هستیم. بر این اساس، باید به دنبال راهبردهایی برای اجرای آن نیز بود و به تبع آن لازم است که بر چگونگی اجرای آن نظارت کرد تا انحرافی در روند اجرای آن ایجاد نشود. به عبارتی؛ باید به عنوان یک پروژه در چرخه برنامه، اجرا، بررسی و اقدام (PDCA) به این الگو نگریست و آن را الگویی پویا و قابل بهبود در طول زمان دانست تا به تدریج کاستی‌های آن در طول اجرا رفع شود تا به الگوی مطلوب دست یابیم. بنابر این، در این تحقیق به منظور تدوین برنامه‌ای عملیاتی برای اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، از رویکرد چارچوب منطقی و درخت مسائل که روشی برای پیاده‌سازی پروژه‌های توسعه‌ای است، استفاده شد. هدف از رویکرد چارچوب منطقی، ارائه اطلاعات درباره اجزای کلیدی یک الگو به صورتی شفاف، منطقی و نظام‌مند است که می‌تواند در تمام فازهای یک پروژه (طراحی، اجرا، کنترل و اقدام) به کار گرفته شود. این چارچوب در یک قالب استاندارد، اطلاعات ذیل را خلاصه‌سازی می‌کند:

- در صدد دستیابی به چه چیزی هستیم؟
- چه فعالیتهایی برای دستیابی به اهداف و خروجی‌های مورد نظر انجام خواهد شد؟
- چه منابعی (ورودی‌هایی) مورد نیاز هستند؟
- چه مشکلات بالقوه‌ای می‌توانند بر موفقیت پروژه اثر بگذارند؟
- چگونه می‌توان میزان پیشرفت و دستیابی به موفقیت نهایی پروژه را اندازه‌گیری کرد؟ (Gowler, 2005)

فرایند تجزیه و تحلیل چارچوب منطقی، اهداف پروژه را به صورت نظام‌مند و منطقی تعیین کرده، روابط علت و معلولی بین آنها ایجاد کرده و در نهایت، شاخصهایی را برای ارزیابی میزان دستیابی به اهداف مشخص می‌کند (Ibid). فرایند LFA، اطلاعات را به شیوه‌ای منطقی و ساختمند، تحلیل و در نهایت، خروجی فرایند را در قالب یک ماتریس ارائه می‌کند تا تمام ذی‌نفعان و افراد درگیر در پروژه، فلسفه تک‌تک فعالیت‌های تدوین شده و سهم آن در رسیدن به اهداف آن را بدانند و برای پیاده‌سازی فعالیتها توجه شوند. نتایج حاصل از کل فرایند LFA در قالب ماتریس چارچوب منطقی خلاصه می‌شود و کل پروژه را به صورت مختصر و مفید ارائه می‌کند.



موفقیت کار بستگی به تعدادی عوامل داخلی و خارجی (مفروضات) دارد. در طول فرایند برنامه‌ریزی و اجرا باید عوامل خارجی را به طور مداوم شناسایی، نظارت و تحلیل کرد؛ زیرا این عوامل ممکن است حتی در صورتی که پروژه را کاملاً منطبق بر برنامه هم اجرا کنیم، سبب شکست آن شوند. عدم اطمینان فرایند در هر مرحله را با در نظر گرفتن مفروضات در آن نشان می‌دهیم. مفروضات، عواملی خارج از کنترل مستقیم ما هستند، اما توجه به آنها برای موفقیت پروژه الزامی است. توالی رویدادها را می‌توان در سطوح ورودی، فعالیت، خروجی، هدف و مقصد مشاهده کرد. فرض را باید بر این گرفت که اگر ورودی‌ها وجود داشته باشند، فعالیتها رخ می‌دهند؛ اگر فعالیتها انجام شوند، به خروجی‌ها می‌رسیم؛ اگر تمام خروجی‌ها را به دست آوریم، هدف حاصل شده است و در بلندمدت، این مسئله منجر به تحقق مقصود ما می‌شود. برای ارزیابی مقاصد، اهداف و خروجی‌ها، نیاز به شاخصهایی داریم که از طریق آنها بتوان از درستی و میزان پیشرفت پروژه اطمینان حاصل کرد و اندازه و میزان واقعی هر یک از این شاخصها را باید توسط یک یا چند ابزار اندازه‌گیری و ممیزی تعیین کرد (The Logical Framework Approach, 1999). در شکل ۱، مراحل مختلف این روش نمایش داده شده است.



شکل ۱: نمایش نموداری ماتریس پروژه (Ibid)

نقطه شروع در پیاده‌سازی LFA، شناسایی اعضای مناسب با تخصصهای مورد نیاز است. در این پژوهش، تعدادی از نخبگان حوزه و دانشگاه که در زمینه الگوهای توسعه و پیشرفت دارای آثاری بوده یا در نشستهای برگزار شده الگوی پیشرفت از طرف نهاد رهبری دعوت شده بودند، بهره گرفته شد.

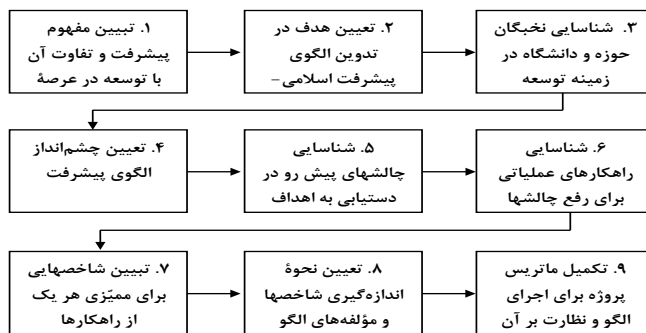
مرحله بعد، فرستادن اطلاعات اولیه برای اعضای شرکت‌کننده و بیان مشکلی است که پروژه برای حل آن تعریف شده است. پس از آن لازم است که اعضا در خصوص هدف غایی



الگو به توافق جمعی برسند. در مرحله بعدی با استفاده از ابزار درخت مسائل، چالشهایی که برای دستیابی به این هدف غایی در هر حوزه وجود دارند، باید شناسایی شوند. با به کارگیری درخت مسائل می‌توان گام به گام از هدف غایی به سطح عملیات رسید و در نهایت شاخصهای اندازه‌گیری را در هر زمینه استخراج کرد. در عین حال، تجزیه و تحلیل درخت مسائل کمک می‌کند تا راهکارها و روابط علت و معلولی بین اجزای پروژه را تشخیص دهیم. با این روش می‌توان مشکل اصلی را به اجزای قابل مدیریت و مشخص تری تجزیه و از این طریق، اجزا را اولویت‌بندی و رسیدن به هدف را تسریع کرد؛ زیرا درک مشکلات و ارتباطات متقابل آنها به این شیوه آسان‌تر است. (The Logical Framework Approach, 2005)

لازم به ذکر است که کدگذاری تمامی داده‌ها در این مرحله، الزامی است و باید تک‌تک عباراتی که در درخت مسائل ذکر می‌شود، کدی مختص به خود داشته باشند تا در مراحل بعدی بتوان میزان پیشرفت و دستیابی به هر یک از موارد را به سهولت پیگیری کرد. پس از تحلیل اهداف، نوبت به ارزیابی و انتخاب راهبرد مناسب از بین راهکارها می‌رسد. باید امکان‌پذیری و مطلوبیت راهکارهای مختلف را بررسی و اثر هر یک را بر گروههای ذی‌نفع، شفاف کرد و در نهایت، راهکارها را به لحاظ هزینه، منفعت، سهولت دستیابی به اهداف و خطرپذیری اجتماعی آنها، ارزیابی و انتخاب کرد. معیارهای بررسی می‌توانند فنی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی یا سیاسی باشند. در نهایت، می‌توان از این طریق به راهبرد کلی پروژه دست یافت. (Logical Framework Analysis, 2003)

پس از تعیین راهبرد، می‌توان عناصر اصلی را از درخت مسائل، استخراج و به ستون اول ماتریس پروژه منتقل کرد. در صورت لزوم می‌توان جمله‌بندی عبارات را برای ورود به جدول عوض کرد تا تناسب بیشتری داشته باشند. نکته قابل توجه در ترسیم ستون اول ماتریس، توجه به کدگذاری هر یک از خروجی‌ها و فعالیت‌های مربوط به آن است تا امکان پیگیری فعالیتها و فرایندهای مربوط به هر خروجی به طور مستقل فراهم باشد. مورد دیگری که باید در تکمیل ماتریس پروژه در نظر داشت، ستون مفروضات است. باید بررسی شود که آیا منابع کافی برای انجام فعالیتها وجود دارند و اینکه آیا رخدادهای خارج از کنترلی که انجام پروژه را متأثر سازند، روی نخواهند داد؟ لازم به ذکر است که پر کردن خانه‌های ماتریس، فرایندی یکباره نیست و نیاز به تکرار دارد. ماتریسی که در مرحله برنامه‌ریزی تدوین می‌شود، تنها یک پیش‌نویس است که باید در مراحل اجرا به تدریج تکمیل و اصلاح شود. در شکل ۲، مراحل انجام این روش نشان داده شده است.



شکل ۲: روش شناسایی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه زندگی فردی



یافته‌های پژوهش

چشم‌انداز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

در تدوین و تعیین یک الگو بیش از هر چیز باید به مسائل ایجابی پرداخت و اینکه الگو به دنبال تحقق چه اهدافی است. تدوین‌کنندگان الگوی اسلامی - ایرانی، به عنوان تدوین‌کنندگان الگویی دینی، باید قبل از هر چیز وجوه تمایز خود را در سه حوزه نگرش، روش و هدف با سایر الگوهای رایج و مقبول افکار عمومی بیان کنند. به عبارتی؛ پیش از شروع به کار باید بدانیم که به دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم تا بر آن اساس بتوان مشخص کرد که بخشهای گوناگون چه فعالیت‌هایی باید انجام دهند و دستاوردهای آنها چگونه باید اندازه‌گیری شود. تعیین چنین چشم‌اندازی در برنامه‌ریزی‌ها، اولویت‌ها، تقدّمها، زمان‌بندی و سرمایه‌گذاری‌ها اثر می‌گذارد و به دنبال خود، فرهنگ‌سازی می‌کند. تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جز در یک فرایند بلندمدت امکان‌پذیر نیست. بنابر این، در این الگو باید هدفهای غایی و چشم‌انداز کلی بلندمدت مشخص شود، اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمانی، دچار تغییر و اصلاح شوند که این مسئله، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری الگو است. جهان‌بینی، مهم‌ترین عنصر جهت‌دهنده توسعه به شمار می‌رود (سریع‌القلم، ۱۳۷۲). هدف غایی بشریت، بر اساس جهان‌بینی اسلامی، سازگاری با مجموعه عظیم هستی است. اسلام، زندگی را کلی نظام‌مند می‌نگرد که در آن رفتار مادی و معنوی از یکدیگر جدا نیستند. توسعه در اسلام متضمّن بهینه‌سازی رفاه در همه جنبه‌هاست. اسلام به انسان، هم طبعی برای ساختن با دنیا و هم همتی برای درگذشتن از آن می‌بخشد و این‌گونه تعادل بین زندگی دنیوی و اخروی را حفظ می‌کند. بنابر این، باید هدف را رسیدن به یک ایده‌آل الهی تعریف کرد و نه صرفاً مادی. باید بنا را بر عمل گذاشت و دین را منفعلانه تعبیر و تفسیر نکرد. اگر در اجرای احکام الهی، بنا بر عمل باشد و مسلمانان خود را در قبال اجرای آن مسئول بدانند، دین موجب آبادانی و رونق و عزّت آنان خواهد بود؛ اما در صورتی که بنا بر بی‌عملی باشد، تمام آن مفاهیم دینی منجر به انحطاط و سقوط مسلمین خواهد شد. بنابر این، باید با نگاهی متعهدانه و مسئولانه به تحلیل ماهوی دین پرداخت.

اگر هدف و آرمان ما «الله» باشد و دنیا را مزرعه آخرت بدانیم، در این صورت دین نباید ملعبه دست قدرتمندان قرار گیرد. دین توحیدی، سبب تلاشی پیوسته و مستمر برای رسیدن به کمال مطلق و قرب به خدا می‌شود (صدر، ۱۳۶۱، ص ۲۳۶-۲۰۰). بنابر آنچه ذکر شد، چشم‌انداز اصلی ما در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، باید رسیدن به «ایده‌آل الهی نامحدود و مسئولیت‌آفرین» باشد.

این چشم‌انداز ابتدا بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و نظرات شهید صدر تدوین شد و سپس در مصاحبه با خبرگان موضوع در حوزه‌های مختلف، مورد تأیید قرار گرفت. بنابر این، رسیدن به ایده‌آل الهی نامحدود و مسئولیت‌آفرین باید سرلوحه امور قرار گیرد و در مرحله بعد، چالشها و موانعی که در رسیدن به این هدف وجود دارد، بر اساس روش‌شناسی درخت مسائل، شناسایی شود.

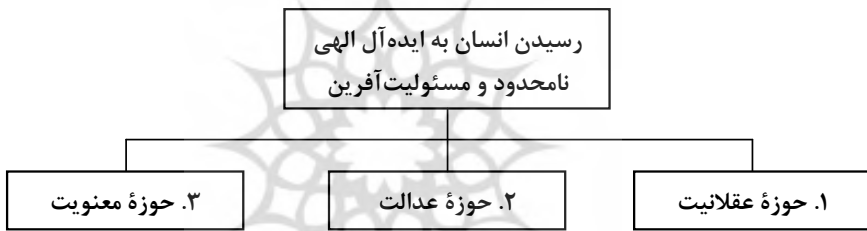
ابعاد الگوی پیشرفت در حوزه زندگی فردی

در این مجال به کاستی‌های الگوی توسعه انسانی سازمان ملل در دستیابی به یک ایده‌آل معنوی پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه نظر اسلام در خصوص تعریف و اجرای عدالت



با تعاریف غربی آن، که سرلوحهٔ تدوین الگوی HDI بوده، متفاوت است، لازم است در حوزهٔ عدالت، بررسی مجددی بر مبنای اصول اسلامی صورت پذیرد. در حوزهٔ عقلانیت و پیشرفتهای علمی و فناوری نیز کشور ما به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی خود الزاماتی دارد که لازم است به طور مجزا به آنها پرداخته شود. در نتیجه، به دلیل گستردگی مطلب و تنوع حوزه‌های مورد بررسی، لازم است ابتدا بحث در قالب چند بُعد طبقه‌بندی شود، سپس در هر یک از ابعاد به بررسی مشروح موضوع بپردازیم.

تأمین عدالت و تحکیم مبانی خانواده، از جمله رؤس اصلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است؛ زیرا پیشرفت مبتنی بر معنویت و توجه به ابعاد فرهنگی در نگاه راهبردی اسلام، از اولویت برخوردار است. آنچه از دید توسعهٔ اسلامی بدان تأکید می‌شود، همسویی پیشرفت و عدالت است. توسعهٔ اسلامی باید به طور همزمان سه ویژگی عقلانیت، معنویت و عدالت را دارا باشد. این در حالی است که الگوهای توسعهٔ غربی، تنها مبتنی بر عقلانیت هستند (جهانیان، ۱۳۸۹). بر این اساس، ردیف نخست درخت مسائل الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، به صورت ذیل قابل نمایش است (شکل ۳). در ادامه با تفکیک هر بُعد، به بررسی مبسوط مسئله خواهیم پرداخت.



شکل ۳: ابعاد مورد بررسی در درخت مسائل الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

تبیین چالشها و راهکارهای بُعد عقلانیت

یکی از تعاریف توسعه، گسترش امکان تحقق خلاقیتهاست (Sen, 1999). جامعه‌ای که امکان تحقق خلاقیت انسانها را داشته باشد، جامعه‌ای توسعه‌یافته است و توان حل مسائل خودش را دارد. باید فضای جامعه را برای توسعهٔ فرایندهای فنی، سرعت، هضم اطلاعات و تفکیک اطلاعات و فناوری‌های ضروری از غیرضروری باز کرد. باید امکان شعورورزی را به افراد جامعه داد. در دنیای کنونی، افزایش ذخیرهٔ معلومات و کاربردهای آن می‌تواند درهای رفاه اجتماعی را به روی جامعه بگشاید (نورث، ۱۳۷۷، ص ۲۰۸). نکتهٔ حائز اهمیت دیگر، تبدیل دانش محض به کاربردی است که نورث آن را عامل تحوّل اروپا دانسته، می‌گوید: «دانش محض پیش‌شرط دانش کاربردی است. مع الوصف، توسعهٔ دانشهای کاربردی نیز سرچشمهٔ اصلی دانش محض بوده است» (همان).

یکی از گرفتاری‌های اصلی ما در تحقق پیشرفت، محدودیت فضای تعقل و خلاقیت در کشور است. لازم است که منطق، فرهنگ خردگرایی و عقلانیت را به درون جامعه تزریق کنیم. قوانین و مقررات ما به دست و پای مردم، بند و زنجیر زده و مانع تحرّک و خلاقیت آنها شده است. (عشایری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۲)



استفاده از دستاوردهای علمی و فنی دانش تجربی سکولار، ضررها و اثرهای جانبی فراوانی را به بار می‌آورد و کنار زدن عناصر پنهان و آشکار فرهنگی و ارزشی حاکم بر آن علوم نیز باعث دشواری‌هایی می‌شود. ویرایش و پیرایش و وصله زدن به این دانشها به گونه‌ای که محصول جدید قابل پذیرش، دفاع و استفاده در محیط اجتماعی اسلامی باشد نیز هویت جمعی علوم را خدشه‌دار می‌کند. بنابر این، تنها مسیر باقیمانده، تولید علوم در چارچوب جهان‌بینی اسلامی و با استفاده از منابع اسلامی است؛ به گونه‌ای که هویت علمی آن خدشه‌دار نشود و حضور و تأثیر دین به شکلی منطقی باشد. علمی که ناظر به نیازها و مشکلات جامعه اسلامی باشد و با توجه به شناخت مسائل جامعه اسلامی و تطبیق راه حلها بر اهداف اسلامی، شکل گرفته و نظم یابد را علم دینی می‌نامیم.

علم و توسعه علمی نیازمند بستر فرهنگی مناسب است و بدون ایجاد این بستر، گرفتاری‌ها و عوارض جانبی علم زیاد می‌شود. به عبارتی؛ توسعه علمی، جدای از فرهنگ نیست و توسعه فرهنگ علمی نیز بخشی از آن است. اطلاعات و فناوری غربی در یکصد سال اخیر وارد کشور شده‌اند، اما فرهنگ متناظر آن وارد کشور نشده و در نتیجه، علم هنوز در ایران بومی نشده است. ما به علم‌باوری، دگر اندیشی و پذیرش نظرات مخالف، در عمل پایبند نیستیم، به توانمندی‌های خود یقین نداریم و دست به کارهای بزرگ نمی‌زنیم.

در این بخش، به پیروی از روش‌شناسی درخت مسائل و برای ریشه‌یابی مشکلات و چالشهای عمده کشور در حوزه عقلانیت و علم که سد راه تحقق آرمان اصلی و رسیدن به ایده‌آل الهی نامحدود و مسئولیت‌آفرین می‌شود، نظرات خبرگان را راجع به موضوع و بررسی علل هر یک از چالشها تا دستیابی به مسائل ریشه‌ای و راهکارهایی عملی برای رفع آنها جويا شدیم. پس از دور اول مصاحبه با خبرگان، خروجی اولیه مجدداً برای اعلام نظر به خبرگان ارائه شد و در نهایت، پس از اجماع و تأیید درخت مسائل، نتیجه آن به شکل ذیل درآمد. (شکل ۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تبیین چالشها و راهکارهای بُعد عدالت

توسعه مطلوب توسعه‌ای است که منجر به پایداری جامعه شود و مؤلفه عدالت، محوری‌ترین عامل در این راستاست. عدالت، مایه قوام و پایداری جامعه و از عوامل مهم رشد و توسعه است. اگر توسعه منجر به شکاف عمیق اقتصادی و فرهنگی و سیاسی شود، برای جامعه خطرناک است و پایداری آن را متزلزل می‌کند. لذا باید به دنبال الگویی بود که نتیجه آن اجرای عدالت و در نتیجه، پایداری و قوام جامعه باشد.

همهٔ احاد کشور صرف نظر از اینکه در چه مکانی زندگی می‌کنند، از نظر حقوق انسانی و اجتماعی با یکدیگر برابرند و حق برخورداری از فرصتهای مساوی را دارند. تنها با این دیدگاه است که می‌توان کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی را در سطح ملی ارتقا بخشید. لذا برخورد عادلانه با تمامی اقشار جامعه و جلوگیری از ایجاد شکاف طبقاتی می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد رفاه اجتماعی و توسعه در جامعه باشد.

به علاوه، وجود شکافهای منطقه‌ای در بخشهای مختلف، از جمله در بخشهای اجتماعی، با پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه عدالت‌محور در جامعه پر می‌شود. با توجه به اینکه تمامی متغیرها در سطح ملی مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرند، عقب‌ماندگی و محرومیت برخی مناطق می‌تواند شاخصهای ملی را به سطح پایین‌تری سوق دهد. لذا توجه بیشتر به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شناسایی بخشها و مناطق محروم و اتخاذ سیاستهایی برای محرومیت‌زدایی آنها می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

حضرت علی(ع) حق محوری و قانون‌گرایی را باعث نجات و رستگاری دانسته، آن را سبب حمایت و پشتیبانی مردم و در نتیجه، حفظ نظام اجتماعی و رشد و پویایی آن می‌داند. یکی از شاخصهای مهم امنیت اقتصادی، حاکمیت قانون و نظم اجتماعی در جامعه است. با وجود اینکه رعایت قوانین به وسیلهٔ حاکمان باعث نظم اجتماعی خواهد شد، اما استحکام و دوام نظم حاصل در جامعه، به طور قطع با نوع قانون ارتباط وثیقی دارد. اگر قانون الهی باشد و در آن تمام مصالح جامعه رعایت شده باشد، استحکام و دوام نظم حاصل از آن به مراتب بیشتر از نظمی است که رعایت قوانین بشری حاصل می‌کند. (جهانیان، ۱۳۸۹)

دولت موظف است در توزیع امکانات عمومی برای تمامی اقشار جامعه، فرصتهای برابر ایجاد کند. دولت اسلامی باید با لغو سرمایه‌داری انحصاری، جلوی تمرکز ثروت ناشی از آن را گرفته، با عرضهٔ آن به همهٔ کسانی که مایل به کار در این بخشها هستند، به مردمی شدن مالکیت و کاهش نابرابری‌ها کمک کند. این امر می‌تواند مشارکت عمومی را افزایش دهد و تمامی اقشار را به کار و کوشش اقتصادی مطمئن تشویق کند.

در این بُعد، نظرات خبرگان در خصوص موضوع و بررسی علل هر یک از چالشها تا دستیابی به مشکلات و مسائل ریشه‌ای و راهکارهایی عملی برای رفع آنها کسب شد. پس از دور اول مصاحبه، خروجی اولیه مجدداً برای اعلام نظر به آنان ارائه شد و در نهایت، پس از اجماع و تأیید درخت مسائل، نتیجهٔ آن به شکل ذیل درآمد. (شکل ۵)

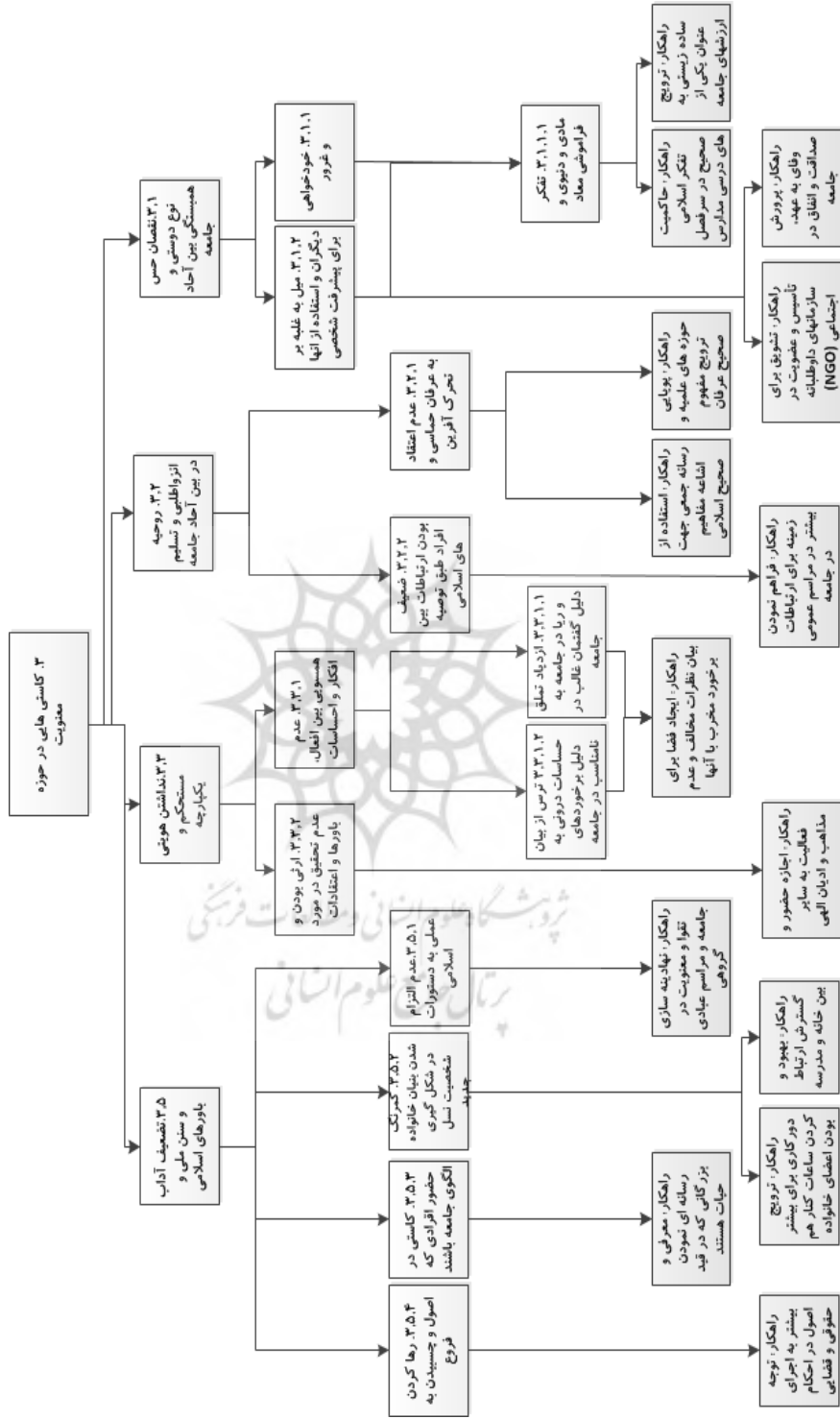


تبیین چالشها و راهکارهای بُعد معنویت

در مکاتب غربی روی بُعد معنوی و ملکوتی انسان سرمایه‌گذاری نمی‌شود و امور معنوی در حاشیه قرار می‌گیرند. اما در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ما به دنبال جمع این دو؛ یعنی معیشت و معنویت هستیم. در جهان‌بینی اسلامی، هر عمل دنیوی در ثواب و عقاب اخروی مؤثر است و با توجه به اینکه دین، تضمین‌کننده سعادتهای اخروی انسانهاست و در آبادانی دنیا نیز مؤثر است، باید انسان را در دنیا به حال خود وانگذارد. پرداختن به بُعد معنوی، مسئله‌ای چند وجهی است که با پهنه‌ای وسیع از مؤلفه‌ها باید سنجیده شود. مسائل معنوی در زندگی انسان، مفهومی انتزاعی است که نمی‌توان برای آن تعریفی جامع و مانع ارائه داد و به طور کلی، تعریف مفهومی آن چندان ساده نیست. این مفهوم تا حد زیادی متأثر از ارزشهاست و بر اساس ارزشهای اسلامی باید تعریف شود.

دین و معنویت، دستگاهی از سمبلهای مقدس و آرا و ارزشهای متبوع است که زندگی ما را در مجموعه هستی، میسر و مطبوع می‌سازد. کنترل درونی افراد و تقوا، چیزی است که در بسیاری از روابط خرد انسانها می‌تواند جایگزین قانون و کنترل بیرونی شود. معنویت و اخلاق اسلامی، سبب ایجاد نوعی کنترل می‌شود که در عمق جانها نشسته است و آدمیان ذاتاً و قلباً به آن پایبندند (سروش، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). معنویت و بریدن از این دنیا سبب می‌شود که انسان به حقوق مادی خود قانع باشد و به حق سایرین دست‌درازی نکند.

دین، جهان‌بینی‌ای را تدارک می‌بیند که گرایش به تأثیرگذاری بر کل شخصیت انسان، شامل رفتار، نوع زندگی، سلیق و ترجیحات و طرز برخورد با انسانهای دیگر، منابع و محیط زیستش دارد. چپرا (۲۰۰۰) خاطر نشان می‌کند دین، افراد را به پیروی از نفع فردی در چارچوب نفع اجتماعی در وضعیت تضاد بین این دو نفع ترغیب می‌کند. دین این کار را با ارائه چشم‌اندازی بلندمدت‌تر به نفع شخصی که آن را به ورای ظرفیت این جهان به آخرت امتداد می‌دهد انجام می‌دهد. دین همچنین در صدد ایجاد محیط توانمندسازی است که سبب تقویت خانواده و ثبات اجتماعی و ارتقای حمایت دوجانبه و تعاون میان افراد می‌شود. در اسلام، زهد فعال دنیوی، عرفان حماسی و تحرک‌آفرین و نشاط‌آور وجود دارد که نه تنها مانع کسب و کار و فعالیت نیست، که به مؤمن جرئت و شهامت اقدام و خطر کردن نیز می‌بخشد و سرچشمه تحوّل و حرکت می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۹). البته باید توجه داشت که اگر بخواهیم مواردی مانند ایثار را بررسی کنیم، باید آن را از حیطة تجربیات شخصی در الگوی توسعه خارج کنیم. اگر مؤلفه‌ها و شاخصهایی را تعریف می‌کنیم، در اصطلاح باید در حیطة عمومی و خارج از حیطة تجربیات شخصی قابل نقد و بررسی باشد. نمی‌توانیم بگوییم فلان جا، فلان حالت روحی به من دست داد و سبب اقدامی برای من شد. حتی اگر این موارد را به فرض درست بودن، در حیطة عمومی مطرح کنیم، چیزی جز دروغ از آن برداشت نمی‌شود. باید این مؤلفه‌های الگوی اسلامی را به ساحت عموم بیاوریم. آن حالت‌های خاص فردی و شخصی را نمی‌توان در الگو طرح کرد و نمی‌توان برای آنها شاخص‌سازی کرد.





تبیین شاخصهای عرصه زندگی فردی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

یکی از ابزارهای لازم برای تحلیل وضع موجود و تعیین اهداف مطلوب، تعیین شاخصهایی برای ارزیابی عملکرد بخشهای مختلف اجرایی و سنجش کیفیت اجرا یا میزان تحقق اهداف مذکور در الگو است. لذا لازم است بر اساس مطالعه الگوهای غربی معتبر و مستندات موجود در کشور، از قبیل سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴، قانون برنامه توسعه سوم و چهارم و گزارشهای اقتصادی منتشر شده مرکز آمار و بانک مرکزی، شاخصهای ارزیابی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تدوین شود. در این الگو، هدف علاوه بر دستیابی به ایدئال الهی و معنوی، رسیدن به جایگاهی قابل قبول و مطلوب در مقابل سایر کشورهاست. در نتیجه، شاخصها باید طوری تعریف شوند که در کنار هدف اصلی، رسیدن به جایگاه بین‌المللی مطلوب را نیز نشان دهند و سبب تسهیل حرکت بدان سمت شوند. بنابر این، باید ظهور ارزشهای اسلامی را در حوزه شاخصهای اقتصادی و بین‌المللی نیز دید.

شاخص، بیانی کمی است از مقوله‌ای که می‌تواند مبنای کیفی داشته باشد. اگر وقف، ایثار یا هر ارزش دیگری را در الگو در نظر بگیریم، باید شاخصهایی عینی و قابل سنجش برای آنها طراحی کنیم، در غیر این صورت توفیقی حاصل نخواهد شد. شاخص، معیاری برای ارزیابی عملکرد یک سیستم در رابطه با مشخصات معنی‌دار و قابل درک آن است. به اعتقاد شارلوک، شاخصهای هر بُعد باید دارای ویژگی‌های ذیل باشند:

- به لحاظ کارکردی با بُعد مربوط در ارتباط باشند؛
- آنچه مورد نظر است، مورد سنجش قرار دهند (دارای روایی باشند)؛
- از ثبات نسبی در بین محققان و تحقیقات مختلف برخوردار باشند (پایایی داشته باشند)؛
- تغییرات را به خوبی مورد سنجش قرار دهند (از حساسیت‌پذیری بالایی برخوردار باشند)؛
- به لحاظ زمانی، هزینه‌ای و توان محقق، قابل اجرا باشند؛
- از طریق طولی قابل ارزیابی باشند؛
- به لحاظ فرهنگی حساس و دقیق باشند.

در این پژوهش، سطر اول از مسائل مذکور در درخت مسائل، مصادیقی برای مؤلفه‌های الگو هستند و راهکارهای ذکر شده در درخت مسائل هر بُعد را می‌توان اقدامات اجرایی لازم برای دستیابی به اهداف الگو دانست که میزان دستیابی به آنها از طریق ارزیابی شاخصها قابل بررسی است. به دلیل رعایت دیدگاه سیستمی و حفظ یکپارچگی موضوع، لازم است که برای تک‌تک این مؤلفه‌ها شاخصهایی را استخراج کرد. نادیده انگاشتن هر یک از مؤلفه‌ها در این الگو، سبب نقص و به تبع آن، عدم دستیابی متوازن به هدف و غایت نهایی الگو می‌شود. بنابر این، هیچ یک از مؤلفه‌ها و شاخصهای استخراج شده نسبت به دیگری در اولویت نبوده، قابل حذف نیستند.

پس از استخراج شاخصهای اولیه که تعداد آنها بالغ بر ۱۰۸ شاخص بود، شاخصهای مربوط به هر بُعد در قالب پرسشنامه بسته در اختیار خبرگان آن حوزه قرار گرفت تا بر اساس شش مشخصه مذکور، به عنوان ویژگی‌های یک شاخص خوب (اعم از: مفهوم حمایتی، اعتبار، در دسترس بودن، حساسیت، سادگی و کمی بودن)، به هر یک از شاخصها امتیازی بین یک تا پنج داده شود. در نهایت، بر اساس تحلیلهای آماری و مقایسه میانگین امتیازها، ۵۳ شاخص ذیل برای سنجش هر یک از مؤلفه‌ها برگزیده شد. (جدول ۱)



جدول ۱: شاخصهای ارزیابی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در عرصه زندگی فردی

شاخص	مؤلفه	بُعد
۱ حجم قرارداد پروژه‌های پژوهشی سفارشی بخش دولتی و خصوصی	اعتقاد عملی به علم	عقلانیت
۲ میزان بودجه صرف شده برای جوایز تحقیقاتی و پژوهانه توسط دولت و بنگاههای خصوصی		
۳ تعداد سالهای ابقای مدیران در پستهای مدیریتی	پایبندی و التزام به اجرای برنامه‌های بلندمدت	
۴ تعداد پرونده‌های جرائم در دست رسیدگی مدیران ارشد کشور در دستگاههای مربوط		
۵ تعداد سازمانهای دولتی که تصمیمات و برنامه‌های کوتاه‌مدت آنها بر مبنای راهبرد مدون بلندمدت است		
۶ تعداد طرحها و ایده‌های خلاقانه در جشنواره‌های دانش‌آموزی	خلاقیت و نوآوری در پاسخ به چالشهای جدید	
۷ سهم پروژه‌های نوآورانه و خاص از کل پروژه‌های تحقیقاتی در کشور		
۸ تعداد محصولات و روشهای جدید ثبت شده در کشور	خودباوری و اتکای به نفس ملت	
۹ تعداد شرکت‌کنندگان فعال در جشنواره‌ها و همایشها		
۱۰ تعداد کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاهها		
۱۱ سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی	توجه به خرد جمعی و کار گروهی در تولیدات علمی و فناوری	
۱۲ میزان درآمد ناشی از فعالیتهای دانش‌بنیان در کشور		
۱۳ میزان تسهیلات بانکی برای تجاری‌سازی ایده‌های نوآورانه و خلاق	توجه به خرد جمعی و کار گروهی در تولیدات علمی و فناوری	
۱۴ میزان جذابیت برنامه‌های رسانه‌ای با موضوعیت مفاخر		
۱۵ تعداد دروس مربوط به اسطوره‌ها و مفاخر در کتب درسی	توجه به خرد جمعی و کار گروهی در تولیدات علمی و فناوری	
۱۶ تعداد ساعات دوره‌های آموزشی برای والدین و معلمان		
۱۷ تعداد مراکز تأیید صلاحیت حرفه‌ای معلمان		
۱۸ تعداد پارکهای علم و فناوری و اعضای آنها		
۱۹ تعداد شبکه‌های تحقیقاتی چند رشته‌ای در کشور	توجه به خرد جمعی و کار گروهی در تولیدات علمی و فناوری	
۲۰ تعداد ساعات آموزش مبتنی بر کار تیمی در مدارس		



شخص	مؤلفه	بُعد
تعداد مراکز نظارتی سازمان بازرسی کل کشور و بازرسی‌های آنها	۲۱	
نسبت تعداد پرونده‌های مختومه به کل پرونده‌های قضایی	۲۲	
درصد بازگشت مجدد زندانیان نسبت به کل زندانیان آزاد شده در سال	۲۳	عدم قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی
تعداد نهادهای مشاوره‌ای و حمایتی از مجرمان	۲۴	
مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی	۲۵	
تعداد جرائم ارجاعی به دادگاههای کشور	۲۶	
تناسب بین مدارک تحصیلی با عناوین شغلی در پستهای دولتی	۲۷	توجه به شایسته‌سالاری در انتصابات و انتخابات
تعداد برنامه‌های رسانه‌های مختلف در مورد خیرین کشور	۲۸	
سهم هزینه‌های درمان در کل هزینه‌های خانوارهای زیر خط فقر	۲۹	
کمکهای بلاعوض دولت و بنگاههای اقتصادی به صندوقهای رفاه و قرض‌الحسنه	۳۰	توجه به عرصه تأمین اجتماعی
تعداد مؤسسات غیرانتفاعی خیرخواهانه تأسیس شده در سال و میزان دریافتی آنها از مردم	۳۱	
نسبت هزینه به درآمد دهکهای پایین به بالا در جوامع شهری و روستایی	۳۲	
تعداد جرایم و پرونده‌های قضایی موجود در خصوص فساد اداری	۳۳	
نرخ بیکاری زنان جویای کار/ تعداد فرصتهای شغلی مدیریتی برای زنان	۳۴	برابری افراد در برخورداری از فرصتها و امکانات
نحوه مجازات متخلفان دارای مقام دولتی در مقایسه با افراد عادی	۳۵	
میزان خمس و زکات و مالیات دریافتی سالانه در کشور	۳۶	
تعداد مراجعات بی‌مورد به دادگاهها و شوراهاى حل اختلاف	۳۷	
تعداد برنامه‌های رسانه‌های مختلف در مورد آموزش قوانین و مقررات	۳۸	آشنایی عامه مردم با مفاهیم عدل و قسط
تعداد وکلای حقوقی نسبت به کل جمعیت کشور	۳۹	

عدالت



شاخص	مؤلفه	بُعد
نسبت کالاهای لوکس در سبد خرید خانوارهای شهری و روستایی	۴۰ گسترش حس	مباین
میزان حضور جوانان در برنامه‌های مذهبی داوطلبانه	۴۱ نوع دوستی و	
تعداد موقوفات شناسایی شده	۴۲ همبستگی بین آحاد	
تعداد پرونده‌های مربوط به نزاع و درگیری‌های خیابانی	۴۳ جامعه	
تعداد اعضای فعال شبکه‌های اجتماعی در کشور	۴۴	
تعداد دوره‌های آموزشی تخصصی در حوزه‌های علمیه	۴۵ ایجاد روحیه عرفان	
تعداد مساجد برخوردار از شبکه تعاملی و اینترنت	۴۶ حماسی و بهبود	
تعداد پژوهش‌های منتهی به تولید برنامه در صدا و سیما	۴۷ ارتباطات بین افراد	
نسبت کتابهای فروش رفته مذهبی به کل کتابهای منتشر شده	۴۸ در جامعه	
تعداد نشریات و برنامه‌های جمعی گروه‌های مخالف تفکر غالب	۴۹ ایجاد هویتی	
تعداد اماکن مذهبی مربوط به سایر ادیان و مذاهب الهی در کشور	۵۰ مستحکم و یکپارچه	
درصد جوانان دارای هویت ملی و دینی	۵۱	
تعداد جلسات اولیا و مربیان در مدارس کشور	۵۲ تقویت آداب و سنن	
تعداد ساعات دورکاری والدین و در کنار خانواده بودن	۵۳ ملی و باورهای دینی	
تعداد مراسم تجلیل از بزرگان و مفاخر فرهنگی کشور	۵۴	

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه، نقاط برجسته‌ای را از نگرشی جدید جستجو کرده که می‌تواند به اندازه‌گیری بهتر توسعه انسانی بینجامد؛ نگرشی که عامل معنویت را نیز در الگوی توسعه می‌گنجاند. دغدغه اصلی این نگرش به توسعه، ارتقای رفاه انسانی در چارچوب مقاصد شریعت است. اسلام سطح مناسب زندگی را بسیار فراتر از حد نیازهای معیشتی می‌داند و کاملاً معتقد به سطح شایسته و مناسب زندگی به معنای واقعی کلمه برای همه افراد جامعه است و در این خصوص راهکارهایی را نیز ارائه می‌کند. مطالعه آموزه‌های اسلام در خصوص سطح مناسب زندگی مادی، کاملاً روشن می‌کند که ناسازگاری بین این آموزه‌ها و شاخص HDI نیست. بنابر این، در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز می‌توان مبنا را بر شاخصهای معتبر علمی HDI نهاد و تنها نارسایی‌های این الگو در بُعد معنوی را با طرح شاخصهای جدید رفع کرد. در این پژوهش تلاش شد تا پس از بررسی الگوهای توسعه علمی مورد استفاده در دنیا، کاستی‌های آنها ذکر و برای رفع آنها، الگوی جدیدی که منطبق بر نیازها و فرهنگ غنی کشور باشد، ارائه شود. در تدوین این الگو علاوه بر اسنادی چون: سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، اسناد توسعه فرابخشی و سخنان رهبر معظم انقلاب در این خصوص، از گردآوری نظرات ۱۰ نفر از خبرگان حوزه‌های مختلف برای بررسی چالشهای کشور در دستیابی به هدف اصلی الگو با به کارگیری روش چارچوب منطقی استفاده شد. پس از آن تعداد ۵۴ شاخص



برای ارزیابی مؤلفه‌های الگو بر اساس نظرات خبرگان و روش مقایسه میانگین‌ها از بین ۱۰۸ شاخص پیشنهادی انتخاب شد. این شاخصها، موقعیت کشور را در ارتباط با آرمانها و اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در مقاطع زمانی مختلف و همچنین روند آنها را در طول زمان نشان می‌دهند.

اما در حال حاضر کمبودها و چالشهایی برای محاسبه این شاخصها در کشور وجود دارد که با رفع این چالشها می‌توان همه شاخصها را به سهولت و با دقت بالا گردآوری کرد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، روشهایی برای شفافیت و انسجام گردآوری این داده‌ها فراهم شود.

توسعه انسانی پدیده‌ای پیچیده است که به طور قطع نباید به شاخصهای قابل اندازه‌گیری محدود شود. مبنای منطقی گنجاندن شاخصهای مذکور در این گزارش شاید می‌توانست به شاخصهای دیگری که گنجانده نشده، گسترش یابد. به عبارت دیگر؛ اگر چه شاخصهای به کار رفته، جامع‌تر از شاخصهایی هستند که در HDI مرسوم به کار می‌روند، آنها باز هم در بر گیرنده همه ابعاد توسعه انسانی نیستند. افزون بر این، شاخصهای گنجانده شده نیز پذیرای تصفیه‌هایی در تعاریف و اندازه‌گیری هستند و محقق، اصراری بر جامع و مانع بودن آنها ندارد. اما این پژوهش می‌تواند نقطه شروعی برای تدوین شاخصهای بهتر و جامع‌تر باشد. بنابر این، باید همه دانسته‌های خود را محتاج نودوزی و نوسازی بدانیم، مهر تمامیت و خاتمیت بر هیچ چیز نزنیم؛ باب تحلیلهای تازه را نیندیم و به نقدها حساسیت بورزیم و خطاپوشی نکنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۷)؛ جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان، چ هفتم.
۳. اکبری، نعمت‌الله (۱۳۷۸)؛ «نگرش متدولوژیک بر تفاوت و تعدد در مفاهیم توسعه»، مباحثی از توسعه اقتصادی در ایران، اصفهان، هشت بهشت.
۴. اکبری، نعمت‌الله و وحید افخمی ستوده (۱۳۸۷)؛ «بررسی سازگاری و نقش آموزه‌های اسلامی با شاخصهای نوین توسعه اقتصادی»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، [بی‌نا].
۵. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶)؛ صحیفه نور، ج ۲۱، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. امین مقدسی، محمدجواد (۱۳۹۰)؛ «پیشرفت به جای توسعه»، روزنامه رسالت، ش ۷۲۵۹، ۱۸ اردیبهشت، ص ۶ (انقلاب اسلامی).
۷. تودارو، مایکل (۱۳۸۷)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجامی، تهران، کوهسار.
۸. جهانیان، ناصر (۱۳۸۹)؛ «پیشرفت عادلانه و وظایف دولت دینی»، اقتصاد سلامی، سال نهم، ش ۳۵ (پاییز)، ص ۶۴-۳۳.
۹. جهانیان، ناصر (۱۳۸۰/الف)؛ «جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۱ (بهار).
۱۰. جهانیان، ناصر (۱۳۸۰/ب)؛ «نقش دولت توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۳ (پاییز و زمستان).
۱۱. حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۳۸۷)؛ وسائل الشیعه، ترجمه عبدالرحیم ربانی شیرازی، [بی‌جا]، اسلامیه.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸)؛ ضرورت تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کشور، گردآوری افشین عادل، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
۱۳. خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۱)؛ اسلام و توسعه، قم، مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه.
۱۴. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷)؛ نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه دکتر فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، مرکز.
۱۵. ستاری‌فر، محمد (۱۳۷۴)؛ درآمدی بر سرمایه و توسعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۷)؛ مدارا و مدیریت، تهران، صراط، چ سوم.
۱۷. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۲)؛ عقل و توسعه‌یافتگی، تهران، نشر سفید.
۱۸. صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۱)؛ سنتهای تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی)، ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)؛ اصول کافی، [بی‌جا]، انتشارات علمی اسلامیه.
۲۰. عروسی حویزی، عبدعلی (۱۳۸۳)؛ تفسیر نورالثقلین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، [بی‌جا]، دار التفسیر.
۲۱. عشایری، حسن؛ موسی غنی‌نژاد و رضا منصوری (۱۳۸۸)؛ ایران آینده از نگاه سه اندیشمند ایران امروز، تهران، دیپاچه، چ دوم.
۲۲. علوی، سید علی و زهرا محبوب جهرمی (۱۳۸۵)؛ توفیق‌طلبی در تمدن ایران اسلامی، تهران، سمت.



۲۳. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۸۹)؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، دهم آذرماه؛ نقل از مؤسسه همشهری. <http://www.hamshahrionline.ir/news-122117.aspx>
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: انسان و ایمان، قم، صدرا، چ ششم.
۲۵. میسر، پراساد (۱۳۶۴)؛ برداشتی نو از مسائل توسعه، ترجمه حمید فراهانی راد، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۲۶. نبوی، سید عباس (۱۳۷۹)؛ «دین و توسعه: گفتگو با حجه‌الاسلام سید عباس نبوی»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، ش ۲۲.
۲۷. نورث، آلفرد (۱۳۷۰)؛ «دین و علم»، ترجمه هومن پناهنده، نامه فرهنگ، ش ۳ (بهار)، ص ۲۴-۳۲.
۲۸. واعظ زاده، صادق (۱۳۸۹)؛ نشست شاخصهای اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۲ دی‌ماه، تهران، خبرگزاری دانشجویان ایران.
29. Astroulakis, Nicos (2008). **Development Ethics as a Means of Redefining Development, International Initiative for Promoting Political Economy (IIPPE)**, Italy, Sep.
30. Gasper, D. (2006). **“Introduction: Working in Development Ethics – a Tribute to Denis Goulet”**, *Thique ET économique/Ethics and Economics*, 4(2), P.1-24.
31. Gawler, M. (2005). **Logical Framework Analysis**, WWF Standards of Conservation Project and Programme Management.
32. Goulet, D. (1997). **“Development Ethics: a New Discipline”**, *International Journal of Social Economics*, 24(11), P.1160-1171.
33. Harbison, H.F. (1987). **Human Resources as the Wealth of Nations**, New York, Oxford University.
34. **Human Development Report** (2010). 20th Anniversary Edition, United Nation Development Programme (UNDP), USA.
35. Landorf, H., S. Doscher & T. Rocco (2008). **“Education for Sustainable Human Development”**, *Theory and Research in Education*, Vol.6, No.2, P.221-236.
36. Logical Framework Analysis (2003). Bond Guideline Notes, No.4.
37. Sen, A. (1999). **Development as Freedom**, New York, Oxford University Press.
38. Sen, Amartya (1997). **“Editorial: Human Capital and Human Capability”**, *World Development*, Vol.25, No.12, P.1959-1961.
39. The Logical Framework Approach (2005). **AUS Guideline**, Australian Agency for International Development.
40. The Logical Framework Approach (1999). **Handbook for Objectives-Oriented Planning**, Norad, 4th Edition.
41. UNESCO (2007). **“Highlights on DESD Progress to Date”**, Available at: Portal.unesco.org/.../en/files/51172/II779357975/Progress-to-date.pdf (Accessed 22 June 2011)